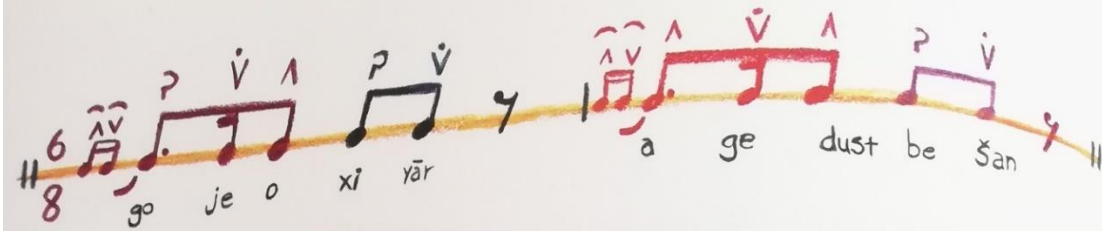


فهرست

۷	مقدمه
۱۰	آموزش تُم
۱۲	آموزش هشت (بک)
۱۴	تمرین تم و هشت (بک)
۱۶	آموزش هفت
۱۸	آموزش بشکن
۲۰	تمرین تم، هشت (بک)، هفت، بشکن
۲۲	قصه ننه مونجوقی
۲۴	بازی جیک جیک و جوجه
۲۶	بازی مرغ نارنجی
۲۸	بازی آواز کلاغه
۳۰	بازی گربه کو؟
۳۲	بازی تخمه بو میده
۳۴	بازی لی لی لی لی حوضک
۳۶	بازی آفتاب مهتاب
۳۸	بازی از سوراخه موش اومده
۴۰	بازی آش
۴۲	بازی چشم چشم، دو ابرو
۴۴	بازی چقده تو خوبی
۴۶	بازی گوجه و خیار
۴۸	بازی بده بغلی
۵۰	بازی سنگ، کاغذ، قیچی
۵۲	بازی می شماره طوطی
۵۴	بازی کلاغ پر
۵۶	بازی قایم باشک
۵۸	جدول تطبیق الفبای فارسی به لاتین





ن سه حرکت



## بازی گربه کو؟

آموزش ۴

ننه مونجوقی و باد و حیوان‌ها دور کرسی نشستند و مشغول غذا خوردن شدند. ناگهان ننه مونجوقی متوجه شد که گربه نیست. باد پیشنهاد داد که همگی با هم گربه را صدا کنند تا پیدا شود، بعد همگی یکصدرا گفتند: «گربه کوشی؟ گربه کوشی؟ // نکنه تو سوراخ موشی» اما باز هم فبیری از گربه نشد، برای همین ننه مونجوقی از آن‌ها خواست که بروند بیرون و اطراف کلبه را بگردند. حیوان‌ها شعر خواندند و دنبال گربه گشتند:

گربه کو؟ گربه کو؟

پوپه میله گربه کو؟

گربه کو؟ گربه کو؟

کلاغ میله گربه کو؟

گربه کو؟ گربه کو؟

الاغ میله گربه کو؟

گربه کو؟ گربه کو؟

هاپو میله گربه کو؟

★ توضیح: مربی نقش هر کدام از حیوان‌ها را به یکی از بچه‌ها می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد که گربه را صدا کنند.



## بازی گوجه فیار

آموزش ۵ نقطه دار

حیوان‌ها نقاشی را به ننه مونوقی دادند. او از هدیه آن‌ها خوشحال شد و لبخند زد و گفت: «هالا که نمی‌تونم براتون آش بپزم، به‌جاش یه چیز خوشمزه دیگه درست می‌کنم که بفرید، اما اسمش رو خودتون باید بگید.»

ننه مونوقی به کلبه رفت و با گوجه و فیار و کاهو و لیمو برگشت و گفت: «گوجه و فیار آکه دوست بشن // اسمش چی میشه؟»

الاغ رو به چوجه گفت: «میشه یه سالار // هالا تو بگو // هالا تو بگو»

چوجه رو به هاپو گفت: «کاهو و لیمو آکه دوست بشن // اسمش چی میشه؟»

هاپو جواب داد: «میشه یه سالار // میشه یه سالار // میشه یه سالار»

★ توضیح ۱: مریی نقش ننه مونوقی را بازی می‌کند و نقش هر حیوان را به یکی از بچه‌ها می‌دهد.

★ توضیح ۲:  $\dot{\sim}$  نت زینت است که قبل از تم یا بک به سرعت زده شده و با ضربه اصلی ارغام می‌شود. این سه حرکت در یک ضربه محسوب می‌شوند.

★ توضیح ۳: بهتر است کورک، ابتدا قطعه را بدون زینت اجرا کند.

## قصه ننه مونهوقی

باد وزید و وزید و به همه حیوان‌ها گفت: «به وسط جنگل بیایید و فبر چریدم را بشنوید.  
باد روی سنگ بزرگی که در وسط جنگل بود نشست و حیوان‌ها یواش یواش پیشش آمدند. همه  
که رسیدند، الاغ از باد پرسید: «آهای آهای ای تَر تری // بگو چه فبرهایی داری»  
باد پرفی زد و گفت: «اونور جنگل کبود // از حیوانا هیشکی نبود»  
بلبل پرسید: «پس پی پی بود؟»  
باد گفت:

«یه کلبه بود رنگ و وورنگ // از همه رنگ، فوب و قشنگ»  
هاپو گفت: «هاپ هاپ هاپو، هاپ هاپ هاپو // ما رو هم ببر هپلی هپو»  
باد بقیه‌اش را روی دوشش انداخت و گفت: «بقچه‌ها رو هوب بکشید // از رودفونه آب بکشید  
// راه درازی پیش روست // راه درازی پیش روست»  
تمام حیوان‌ها به دنبال باد راه افتادند تا به کلبه‌ای رسیدند. باد در کلبه را کوپید و  
ننه مونهوقی در را باز کرد. باد گفت:

«آی ننه چون هلاکتم // قبربون خلق پاکتم //  
هیونارو آمون بره // هم آب بره، هم نون بره»  
حیوان‌ها همه با هم گفتند: «نون و پنیر و پونه // ننه ننه گشمنونه»  
ننه مونهوقی لبش زد و به همه‌شان غذا داد و گفت:  
«فوشامرید، فوشامرید // اسماتونو بوم می‌گیرد»